

جنگهای پیامبر(ص) بر اساس یک قاعده حکومتی بودند نه دستور الهی

مقدمه :

اصول اساسی دعوت پیامبر(ص)، مانند همه پیام آوران گذشته، دعوت به **نگرش توحیدی** به خلقت و هستی و کاینات^۱ و **عملکرد اخلاق مدار** در راستای اتصاف و تخلق به اخلاق الهی^۲ بود.

و این مهم در آیات متعددی بعنوان اصول و **شاخصه های رستگاری انسانها**، در همه آنها، بدین گونه بیان شده است:^۳

1- اعتقاد به **وحدانیت خدا** در ذات، خلق و .. (توحید)

2- اعتقاد به **هدفمند بودن خلقت** (معاد)

3- **عمل صالح** (بر مبنای اعتقاد به خدا در راستای رسیدن به هدف خداوند از هستی)

و نکته قابل توجه در اینست که کلیه آیات نازل شده در مکه، حول همین اصول، ارایه شده اند.

اما، وقتی که پیامبر(ص) **بدلیل شرایط سیاسی** بوجود آمده، اجباراً به مدینه هجرت کرده و بسیار مردم قبایل مختلف آنجا، حول ایشان گرد آمدند، بطور طبیعی و **بر اساس خواست خودبخودی** آنها (نه به دستور اولی خداوند بمعنای حق الهی تشکیل حکومت)، به ریاست و **خلافت مدینه** منصوب شدند.^۴

در این راستا، جهت **اداره حکومت** در همه شیون اجتماعی، **نیازمند قوانین** مربوطه شده که مطابق **اصل عقلانی** رجوع به متخصصین و کارشناسان و صاحبان نفوذ در مردم، **از بین قوانین موجود** و رعایت حد فهم و پذیرش مردم، گزینشهای لازم را انجام داده و ضمن **امضا کردن** اعتبار آنها^۵، جهت اجرا ابلاغ نمودند.

یکی از **مواردی** که در هر حکومتی، از جمله حکومت پیامبر(ص) برجسته است، **جنگهایی** است که اتفاق افتاده و قطعاً بدلیل سیستم نوپای تاسیسی ایشان که باعث **برخورد با افکار موجود** جامعه قریشیان شد، حساسیتهای بیشتری را ایجاد کرده و امروزه نیز از مواردیست که بشدت **دعوت ایشان** را **زیر سوال برده** است.

اما با بررسی **آیات موجود** در قرآن که در بین **آیات مدینه** قرار دارند و سیره پیامبر(ص) در آن جنگها، به این نتیجه مهم میرسیم که:

کلیه **جنگهای عصر نزول**، براساس **قاعده عقلانی دفاع** در برابر تهاجم و یا **پیشگیری از وقوع** حمله بوده و **هیچ دلیلی** برای حمله ابتدایی بخصوص برای **تثبیت حکومت** و یا **اجبار عقیده دینی**، آنهم بعنوان یک دستور واجب الهی، در بین آنها **دیده نمی شود**.

در ادامه، به بررسی آیات قرآن با توجه به نظر مرحوم **صالحی نجف آبادی** در **کتاب جهاد در اسلام** می پردازیم:

الف) اصل در اسلام صلح است نه جنگ

از نظر اسلام، **جنگ برای تحمیل عقیده**، **مجاز نیست**... اجبار چه به صورت تهدید باشد و چه به صورت جنگ، نباید برای تحمیل دین و عقیده اعمال شود.

لا اكراه في الدين قد تبين الرشد من الغي^۶

اکراهی در قبول دین، نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است.

ب (آیات جهاد

آیاتی که درباره جنگ با کفار نازل شده **دو دسته اند** :

آیات مفیده : آیاتی که **قید و شرط جنگ** در آنها ذکر شده است .

آیات مطلقه : آیاتی که **قید و شرطی** در آنها نیست .

• آیات مطلقه :

در این آیات ، **جنگ** با کفار فقط **بدلیل دفاع در برابر تهاجم** دشمن و یا **عهد شکنی** و توطیه آنها ، مجاز شمرده شده است که ذیلا به آنها اشاره می شود :

1- **و قاتلوا فی سبیل الله الذین یقاتلونکم و لا تعدوا ان الله لا یحب المعتدین**^۷

و در راه خدا، با کسانی که **با شما می‌جنگند**، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید ، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد! همانطور که صراحت آیه میفرماید ، مسلمانان **در صورت حمله دشمن** ، حق دفاع دارند ، **آنهم بدون تجاوز از حد** دفاع و یا اعمالی مغایر با دفاع مانند کشتن زنان و کودکان و سوزاندن و تخریب و قتل عام اسیران و ..

2- **و اقتلوهم حیث ثقتموهم و اخرجوهم من حیث اخرجوکم و الفتنة اشد من القتل و لا تقاتلوهم عند المسجد الحرام حتی یقاتلوکم فیہ فان قاتلوکم فاقتلوهم کذلک جزاء الکافرین** .^۸

و آنها را [که **در آیه قبل اشاره شد** و با شما به جنگ برخاسته اند] هر کجا یافتید ، به قتل برسانید! و از آن جا که شما را بیرون ساختند [= مکه]، آنها را بیرون کنید! و فتنه از کشتار هم بدتر است! و با آنها ، در نزد مسجد الحرام (در منطقه حرم)، **جنگ نکنید! مگر اینکه** در آن جا **با شما بجنگند**. پس اگر (در آن جا) با شما پیکار کردند، آنها را به قتل برسانید! چنین است جزای کافران!

این آیه ، **دنباله آیه قبل** است که ضمیر " هم " به **متجاوزان در آیه قبل** برمی گردد ، که جنگ را با متجاوزینی که به جنگ ، **پیش دستی کنند** مجاز می شمارد و حتی قتال کنار مسجد الحرام را ممنوع اعلام می کند ، مگر اینکه آنها پیش دستی کنند .

3- **و قاتلوهم حتی لا تكون فتنة و یكون الدین لله فان انتهوا فلا عدوان الا علی الظالمین**^۹

و با آنها [که **در دو آیه قبل اشاره شد** و با شما به جنگ برخاسته اند] پیکار کنید! **تا فتنه** باقی نماند؛ و دین ، مخصوص خدا گردد. پس **اگر (از تجاوز) دست برداشتند**، (از کشتن آنان دست بردارید! زیرا) تعدی جز بر ستمکاران روا نیست.

این آیه نیز **دنباله 2 آیه قبل** است که طبق یک **قاعده عقلی** اعلام می کند که تا زمانی که **فتنه جنگی دشمن** برقرار است **به جنگ ادامه دهید** ولی **اگر از جنگ دست کشیدند** ، حق تعدی و دشمنی ندارید .

4- **الشُّهْرُ الْحَرَامُ بِالشُّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ**^{۱۰}

ماه حرام، در مقابل ماه حرام است! و شکستن حرمت ماه های حرام قصاص دارد. (به طور کلی) هر کس به شما تجاوز کرد، با او **مقابله به مثل** کنید مانند آنکه او به شما تعدی کرده است! و از خدا بپرهیزید (و زیاده روی ننمایید)! و بدانید خدا با پرهیزکاران است!

این **آیه** نیز در **ادامه آیات قبل** نازل شده و بصراحت **جنگ** با دشمن را **مشروط و مقید به تجاوز** و دقیقاً مشابه رفتار هجومی آنها اعلام میدارد.

5- اذن للذين يقاتلون بانهم ظلموا وان الله على نصرهم لقدير، الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ يَغِيرُ حَقًّا إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ ^{۱۱}

به کسانی که جنگ بر آنان **تحمیل گردیده**، **اجازه جهاد** داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست. همانها که از خانه و شهر خود، **به ناحق رانده شدند**، جز اینکه می‌گفتند: « پروردگار ما، خدای یکتاست! » و اگر خداوند بعضی از مردم را بوسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که یاری او کنند یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

در این **آیه** نیز به مسلمانان بدلیل اینکه **مورد ظلم و قتال و تهاجم دشمن** واقع شده اند، **اجازه جنگ دفاعی** می دهد.

6- وَ قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً ^{۱۲}

(و به **هنگام نبرد**) با مشرکان، **دسته جمعی** پیکار کنید، همان گونه که آنها دسته جمعی با شما پیکار می‌کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است!

در این **آیه** نیز قتال و جنگ را **بدلیل دفاع** مجاز میکند.

7- وَ ان نكثوا ايمانهم من بعد عهدهم و طعنوا في دينكم فقاتلوا ائمة الكفر انهم لا ايمان لهم لعلهم ينتهون ^{۱۳}

و اگر پیمانهای خود را **پس از عهد خویش بشکنند**، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آنها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند!

در این **آیه** نیز **شرط جنگیدن** را، **پیمان شکنی کفار** اعلام میکند، چرا که **پیمانهای آنها** یا برای **حمایت از مدینه** در برابر تهاجم دشمن بوده، که **شکستن آن**، بمعنای **پیوستن به دشمن** بوده است و یا پیمان **عدم تهاجم به مسلمانان** بوده، که **شکستن آن**، بمعنای **اقدام به توطئه** و تهاجم بوده است، و شواهد تاریخی نیز دال بر همین موضوع است.

تذکر: در تمام این آیات از لفظ « **قاتلوا** » استفاده کرده که از باب مفاعله و به معنای **یک عمل دو طرفه** است و انجام جنگ را با کسانی که در حال جنگ با مسلمانان هستند مجاز می کند.

آیات مطلقه:

تعدادی آیه نیز در قرآن وجود دارند که **بدون بیان شرط خاصی** دستور به جنگ داده (و همین آیات است که مستمسک دست نادانان شده و اسلام را زیر سوال برده اند)، که ذیلاً به آنها اشاره شده و **توضیح منطقی** در مورد آنها داده خواهد شد:

1- کتب علیکم القتال و هو کره لکم و عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم و عسی ان تحبوا شیئا و هو شر لکم و الله یعلم و انتم لا تعلمون ^{۱۴}

- 2- فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیاة الدنیا بالآخرة و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجرا عظیما^{۱۵}
- 3- و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک نصیرا^{۱۶}
- 4- الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله و الذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ان کید الشیطان کان ضعیفاً.^{۱۷}
- 5- قاتلوا الذین لا یؤمنون بالله و لا بالیوم الآخر و لا یحرمون ما حرم الله و رسوله و لا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیة عن ید و هم صاغرون^{۱۸}
- 6- یا ایها الذین آمنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار ولیجدوا فیکم غلظة و اعلموا ان الله مع المتقین.^{۱۹}
- 7- فإذا لقیتم الذین کفروا فصرّب الرقاب حتی إذا أختتموهم فشدوا الوثاق فإما منّا بعد و إما فداءً.^{۲۰}

همانطور که در آیات فوق دیده می شود ، دستور به جنگ ، ظاهراً مشروط به شرط خاصی نشده است .

ولی به **دو دلیل زیر** آیات فوق در **هنگام اطلاق** ، باید به آیات مقیده قسمت قبل **تخصیص خورده** و معنا شوند :

- همانطور که به یک **کتاب قانون** به عنوان یک **مجموعه به هم پیوسته** نگاه می شود و **مطلقات آن ، حمل بر مقیدات** می گردد، به آیات قرآن به ضمیمه حدیث های معتبر نیز باید به عنوان یک مجموعه به هم پیوسته نگاه کرد که در این نگاه به طور طبیعی ، **مطلقات به وسیله مقیدات تقیید می شوند** و در نتیجه به اطلاق آنها نمی توان تمسک کرد.
- **پس:** « طبق قاعده ، باید آیات مطلقه حمل بر آیات مقیده شود و در حقیقت آیات دارای قید و شرط ، آیات بی قید و شرط را **تفسیر می کند** و در نتیجه آیات دارای قید و شرط بر آیات بی قید و شرط حاکم خواهند بود .
- در قواعد و **فضای مدیریتی** نیز وقتی که قاعده و **مبنای اعلام شده** باشد ، و شرطی برای انجام تصمیم و عملی بیان شده باشد ، هنگامی که طبق **شواهد و قرائن** ، آن **شرط محقق شده** باشد ، بدون مطرح کردن آن ، **دستور به انجام نتیجه** آن صادر می شود .

بطور مثال ، فرض شود که اعلام شده باشد « **دانشجویی که دو ترم متوالی مشروط بشود ، اخراج است** » . حال اگر **قسمت معاونت** دانشجویی ، موقع **بررسی شرایط معدل** دانشجویان ، اسامی افرادی را در موقع ثبت نام اعلام و **دستور به اخراج** بدهد ، **کسی نمی پرسد چرا** ؟ چونکه می داند **علت آن ، اجرای بخشنامه مشروطی** بوده است ، مگر اینکه کسی نسبت به خود مشروط شدن اعتراضی داشته باشد .

و **همین امر** نیز در **شرایط نزول آیات** اتفاق می افتاده که یا **به قرینه مجاوره فضای نزول** و یا **قرینه معنوی مندرج در آنها** ، **شرط تهاجم و یا پیمان شکنی** مطرح بوده ، و پیامبر(ص) طبق قاعده عقلانی دفاع در برابر تهاجم ، دستور به جنگ (دفاعی) داده است .

ج (سیره پیامبر(ص) و امامان علی و حسن و حسین (ع) :

شواهد تاریخی ، دال بر عدم شروع جنگ توسط بزرگان فوق حتی در زمانیهست که دو سپاه روبروی هم آرایش نظامی گرفته بوده اند .

- عملکرد پیامبر در ماجرای جنگ بدر

وقتی لشکر قریشیان آماده جنگ با مسلمانان می شوند ، پیامبر(ص) در پیامی که بوسیله عمر برای آنها فرستاد ، خواهان **جلوگیری از وقوع جنگ** می شود .

أرجعوا ، فانه یلی هذا الأمر مني غيركم أحب إليّ من أن تلوه مني ، و اليه من غيركم أحب الي من ان اليه منكم . ²¹ شما **برگردید و از جنگ بپرهیزید** ، اگر کسانی غیر از شما این موضع گیری را درباره من می کردند ، نزد من بهتر بود از اینکه شما این کار را بکنید ، و اگر من درباره کسانی غیر از شما این موضع گیری را می کردم نزد من بهتر بود از اینکه درباره شما بکنم .

- دعوت امام علی(ع) در جنگ صفین به مذاکره بجای جنگ

... فَقُلْنَا : **تَعَالَوْا نُدَاوِ مَا لَا يَدْرِكُ الْيَوْمَ بِإِطْعَاءِ النَّارِ**، وَ تَسْكِينِ الْعَامَّةِ، حَتَّى يَشْتَدَّ الْأَمْرُ وَ يَسْتَجْمِعَ، فَتَقْوَى عَلَيَّ وَضِعَ الْحَقِّ مَوَاضِعَهُ . **فَقَالُوا : بَلْ نُدَاوِيهِ بِالْمَكَابِرَةِ !** فَأَبَوْا حَتَّى جَنَحَتِ الْحَرْبُ وَرَكَدَتْ ، .. ²²

پس به آنان گفتیم: بیایید با **خاموش ساختن آتش** جنگ ، و آرام کردن مردم، به **چاره جویی** و درمان بپردازیم ، تا کار مسلمانان استوار شود، و به وحدت برسند ، و ما برای اجرای عدالت نیرومند شویم ، اما **شامیان پاسخ دادند**: (چاره ای جز جنگ نداریم .) پس **سر باز زدند**، و **جنگ درگرفت** ، و تداوم یافت، و آتش آن زبانه کشید .

- جلوگیری از آغاز جنگ در روز عاشورا توسط امام حسین(ع) :

در همان ابتدای صبح عاشورا ، مسلم بن عوسجه به امام(ع) گفت : بگذار او (شمر) را **با تیر بزیم** ، او فاسقی از دشمنان **خداست** و خدا این گونه فرصت پیش آورده است .

امام فرمود : **تیر نینداز؛ دوست ندارم که آغاز گر جنگ باشم** . ²³

و در يك كلام :

جنگ های پیامبر(ص) در تبعیت از **اصل عقلانی دفاع در برابر تهاجم دشمن** ، انجام گرفته و **دستورات قرآن** نیز ، چیزی فراتر از دستور به تبعیت از عقلانیت نبوده ، که بعنوان دستور جهت اجبار به دین ورزی کسی ، زیر سوال برده شوند . همانطور که نه تنها در **انتخاب دین** کسی را اجبار نکرده است ،

آنجا که می فرماید :

" فذكر انما انت **مذكر** - لست عليهم **بمصيطر** " ²⁴

(ای پیامبر(ص)) پس (ایمان و اخلاق و عقلانیت را) یادآوری کن که تو فقط یادآوری کننده ای ! تو بر آنان سلطه نداری که به ایمان مجبورشان کنی .

" **لااکراه** في الدين ، **قدتبين** الرشدمن الغي " ²⁵

(برای تو انسان) اکراهی در قبول دین ، نیست . (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است .

" نحن اعلم بما يقولون و ما انت عليهم **بجبار** فذكر بالقران من يخاف وعيد " ²⁶

ما به آنچه آنها می‌گویند آگاه‌تریم، و تو مأمور به اجبار آنها (به ایمان) نیستی .

بلکه پیامبر(ص) را پس از مسلمان شدن و پذیرش دعوت توسط مردم ، از محافظت نتیجه آن و تحت نظر قرار دادن اعتقاد و رفتار آنها ، که مبدا از آن اعراض کنند ، برحذر داشته است ،

آنجا که می فرماید :

" فان عرضوا فما ارسلناک علیهم **حفیظا** ان علیک الا البلاغ . " ²⁷

و اگر (از آیین تو) **روی گردان شوند** (غمگین مباش) ، ما تو را **حافظ آنان** (و مأمور اجبارشان) قرار نداده ایم ; **وظیفه تو** تنها **ابلاغ است و بس** .

زیرنویسها :

1. و ما ارسلنا من قبلک من رسول الا نوحی الیه انه لا اله الا انا فاعبدون انبیا 25
2. **تخلقوا باخلاق الله** - بحارالانوار- ج 58- ص 129-
3. از جمله آیه : " ان الذین امنوا و الذین هادوا و النصارى و الصابئین من **امن بالله و الیوم الآخر و عمل صالحا** فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون " سوره بقره - آیه 62
4. کتاب " ولایت فقیه ، حکومت صالحان " مرحوم صالحی نجف آبادی - ص 67 تا 71
5. **مرحوم قابل : اکثر احکام اسلام ، احکامی امضائی‌اند** . (شریعت عقلانی ، 8، بخش 22) . **احکام امضائی** شریعت محمدی (ص) **مبتنی بر درک و فهم عقلای بشر در زمان نزول وحی** صادر شده اند و آنچه رایج بوده است را با اندکی دخل و تصرف ، امضاء کرده و به رسمیت شناخته است . (شریعت عقلانی ، 9 ، بخش 24)
6. بقره 256
7. بقره 190
8. بقره 191
9. بقره 193
10. بقره 194
11. حج 39 و 40
12. توبه 36
13. توبه 12
14. بقره 216
15. نسا 74
16. نسا 75

17. نسا 76
18. توبه 29
19. توبه 123
20. محمد 4
21. مغازي واقدې ج 1 ص 61
22. نامه امام دربارہ جنگ صفين (نامه 58)
23. طبری ص 3022 (ج 7 الکترونیکی - ص 318)
24. [سوره غاشیہ - 21 و 22](#)
25. همان بند 6
26. [سوره ق 45](#)
27. [سوره شوری 48](#)

تحقیق با استفاده از کتاب : جهاد در اسلام مرحوم آیه اله صالحی نجف آبادی ، ص 15 تا 35

محمد صالحی - 95/1/29

کانال باورهای قدیم و اندیشه های نو

[@beshnofekrkon](#)

بلاگ اینترنتی

<http://mahsan.rasekhoonblog.com>